

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال دوازدهم، شماره سی و هفتم، زمستان ۱۳۹۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵ / ۰۹ / ۲۷

تاریخ تصویب: ۱۳۹۵ / ۱۲ / ۲۰

صفحات: ۲۰-۲۰۵

قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵ در بوته نقد *

داود کرمی *

استادیار گروه حقوق، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

هادی کرامتی معز **

دانشجوی دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرمشناسی دانشگاه تهران و مدرس دانشگاه

چکیده

قانون جرم سیاسی با هدف استیفای حق مجرمان سیاسی و حمایت از آنان در اردیبهشت ۱۳۹۵ تصویب نهایی شد؛ اما نباید تصور کرد با تصویب طرح جرم سیاسی، وظیفه قانونگذار به موجب اصل ۱۶۸ قانون اساسی به پایان رسیده است زیرا آنچه در ماده ۱ این قانون آمده تعیین مصداق است و نه تعریف جرم سیاسی؛ مهمترین ضعف این قانون، عدم ارائه تعریف دقیق جرم سیاسی است. در این قانون، هیچ ملاک و ضابطه دقیق و مشخصی برای سیاسی شناختن جرم انتسابی، ارائه نشده است. شاید به همین دلیل در ماده ۵ این قانون، تشخیص سیاسی بودن اتهام را بر عهده دادسرا یا دادگاهی قرار داده است که پرونده در آن مطرح است؛ قانون فوق، نه تنها تعریف جامعی از جرم سیاسی ارائه نداده است بلکه ماده ۲ این قانون، با شمارش برخی از مصداق جرم سیاسی در پنج بند، بر ابهامات قانونی افزوده است؛ هرچند، این قانون دارای نواقصی است ولی آن را باید گامی روبه جلو دانست و معتقد بود که این قانون باعث شده اصل ۱۶۸ قانون اساسی که سال‌های سال بلا تکلیف مانده بود محقق شود و از جنبه رسمی و ظاهری توفیق نظام تقنین تلقی می‌شود.

کلیدواژه ها: جرم، سیاسی، اصل ۱۶۸، هیأت منصفه، قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵.

* نویسنده مسئول، ایمیل: karami.law@gmail.com

** ایمیل: keramatihadi@gmail.com

مقدمه:

از جمله موضوعات قانون اساسی، تا قبل از سال ۱۳۹۵ برای اجرای آن مقرره‌ای تصویب نشده بود، موضوع اصل ۱۶۸ است که بر اساس آن، باید تعریف و شروط «جرم سیاسی» و نحوه انتخاب و اختیارات هیأت منصفه طبق موازین اسلامی مشخص شود، این مساله منحصر به نظام حقوقی کشور ما نیست، بلکه در بسیاری از نظام‌های حقوقی دیگر کشورهای دنیا نیز مشاهده می‌شود (فراهانی، ۱۳۸۹: ۲).

عدم اجرای این بخش از اصل ۱۶۸ یعنی بحث جرم سیاسی و لزوم تعریف آن، تنها یک اصل را متوقف نکرده بود؛ بلکه اصول متعددی از قانون اساسی نظیر اصل ۲۷ و اصول دیگر به تبع عملیاتی نشدن بخشی از اصل ۱۶۸، بلااجرا مانده بود.

یکی از علل بسیار مهم تعریف نشدن جرم سیاسی را «تعریف ناپذیری» واژه مذکور می‌دانند؛ مشکل تعریف ناپذیری جرم سیاسی در حکومت‌های عرفی جدید، که ریشه در گستردگی و پوشیدگی و پیچیدگی پدیده‌های سیاسی و دشواری تعریف سیاست دارد. (عالی پور، ۱۳۸۹: ۱۲).

مبادرت به تعریف جرم سیاسی، این فرصت را ایجاد کند که بعضی از اشکالات قانون مجازات اسلامی در فصل اول کتاب پنجم برطرف شود؛ یعنی مثلاً الفاظ مبهم نظیر «تشکیل دسته و جمعیت با هدف برهم زدن امنیت کشور» یا «فعالیت تبلیغی علیه نظام» یا «جاسوسی» یا «دسته‌جات مفسدین» و موارد بسیاری دیگر و هم چنین ابهامات موجود در قسمت اول قانون مجازات اسلامی در باب محاربه برطرف شود زیرا وجود این ابهامات باعث اتخاذ تصمیمات قضایی می‌شود که گاه بسیار قابل تأمل و گاه غیر قابل قبول و حتی غیر قابل تصور است.

نظام حقوقی ما باید به سمتی برود که فعالان سیاسی در میان معتادان و جنایتکاران حرفه‌ای قرار بگیرند و همچنین هیأت منصفه نباید نهاد منتخب حکومتی باشد در حالی که ۴ عنصر حکومتی مسئول تعیین اعضای هیأت منصفه هست، تا این مشکلات و ایرادات حل نشود صحبت از جرم سیاسی بی معناست.

طرح جرم سیاسی در ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۵ در صحن علنی مجلس تصویب شد و در تاریخ ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۵ مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت.

ماده ۱ این قانون جرم سیاسی را تعریف می‌کند و مقرر می‌دارد که: «هر یک از جرائم مصرح در ماده ۲ این قانون چنانچه با انگیزه اصلاح امور کشور علیه مدیریت و نهادهای سیاسی یا سیاست‌های داخلی یا خارجی کشور ارتکاب یابد، بدون آنکه مرتکب قصد ضربه زدن به اصل نظام را داشته باشد جرم سیاسی محسوب می‌شود».

در تعریف جرم سیاسی از دو ضابطه حقوقدانان استفاده کردند:

الف. نظریه عینی یا مفهوم موضوعی: «جرم سیاسی آن است که در عمل موجب ایجاد ضرر و لطمه برای حکومت شود، هر چند که در آن قصدسیاسی نباشد. بر اساس این نظریه، در تحقق جرم سیاسی کافی است که امر سیاسی بر آن بار شود» (ولیدی، ۱۳۷۱: ۱۵۴).

ب. نظریه ذهنی یا مفهوم شخصی: در این روش، شخص مجرم و هدف او ضابطه قرار می‌گیرد نه جرم و اثری که به جای می‌گذارد، بنابراین روش، جرم سیاسی آن است که مجرم با انگیزه سیاسی و به قصد صدمه زدن بر پیکره دستگاه حکومت آن را انجام می‌دهد، هر چند طبیعت عمل او از جرایمی نباشد که معمولاً جرم سیاسی نامیده می‌شوند» (صانعی، ۱۳۷۲: ۴۰۱).

تعریف جرم سیاسی در قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵ به گونه‌ای ترکیبی از هر دو ضابطه ذهنی و عینی است. ولی تشخیص ضابطه ذهنی که متأثر از انگیزه مرتکب مورد انتقاد است؛ زیرا در ماده ۵ این طرح مقرر شده است: «تشخیص سیاسی بودن اتهام با دادسرا یا دادگاهی است که پرونده در آن مطرح است. متهم می‌تواند در هر مرحله از رسیدگی در دادسرا و تا پایان جلسه اول دادرسی در دادگاه نسبت به غیرسیاسی بودن اتهام خود ایراد کند. مرجع رسیدگی کننده طی قراری در این مورد اظهارنظر می‌نماید. شیوه صدور و اعتراض به این قرار تابع مقررات قانون آیین دادرسی کیفری است.»

اینکه نحوه احراز انگیزه سیاسی به دادسرا یا دادگاهی ارجاعی واگذار شود از ایرادات این قانون تلقی می‌شود زیرا هدف تمییز جرایم سیاسی از جرایم عادی مصون ماندن دادرسی جرم سیاسی از اعمال نفوذ است در حالی که در ماده ۵ اساساً زیر بنای قانون تخریب شده است. هدف قانون، حمایت‌های خاص از متهم و مجرم سیاسی است لیکن در این حالت دادگاه می‌تواند به راحتی با اظهار نظر بر غیرسیاسی بودن، متهم را از این حمایت‌ها محروم سازد. لذا برای رفع این ایراد پیشنهاد می‌شود سابقاً دادگاه یک جلسه استماع مقدماتی داشته باشد، و احراز انگیزه به هیأت منصفه واگذار گردد، یعنی به صرف اذعان متهم در مورد انگیزه سیاسی، قبل از ورود به ماهیت دعوی، هیأت منصفه نسبت به انگیزه اظهار نظر کند.

به لحاظ این که تعریف ارائه شده در ماده ۱ تعریفی جامع و مانع نیست و کمک‌چندانی به شناخت جرایم سیاسی نمی‌کند لذا اجباراً مصادیق متعددی به عنوان مصادیق جرم سیاسی ذکر شده که بعضاً ویژگی‌های جرم سیاسی را نیز فاقد می‌باشند.

در ماده ۲ قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵ مصادیق جرم سیاسی مشخص می‌شود به این صورت که: «جرائم زیر در صورت انطباق با شرایط مقرر در ماده ۱ این قانون جرم سیاسی محسوب می‌شوند.»

الف. توهین یا افتراء به رؤسای سه قوه، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونان رئیس‌جمهور، وزراء، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس خبرگان و اعضای شورای

نگهبان به واسطه مسئولیت آنان.

ب. توهین به رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی که در قلمرو جمهوری اسلامی ایران وارد شده است با رعایت مفاد ماده (۵۱۷) قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات.

پ. جرائم مندرج در بندهای (د) و (هـ) ماده (۱۶) قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده مصوب ۱۳۶۰٫۶٫۷.

ت. جرائم مقرر در قوانین انتخابات خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا به استثنای مجریان و ناظران انتخابات.

ث. نشر اکاذیب.»

در ماده ۴ قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵ استثنائات جرایم سیاسی ذکر شده است:

«مباشرت، مشارکت، معاونت و شروع به جرائم زیر جرم سیاسی محسوب نمی‌شود:

الف. جرائم مستوجب حدود، قصاص و دیات.

ب. سوء قصد به مقامات داخلی و خارجی.

پ. آدم‌ربایی و گروگان‌گیری.

ت. بمب‌گذاری و تهدید به آن، هواپیماربایی و راهزنی دریایی.

ث. سرقت و غارت اموال، ایجاد حریق و تخریب عمدی.

ج. حمل و نگهداری غیرقانونی، قاچاق و خرید و فروش سلاح، مواد مخدر و روان‌گردان.

چ. رشاء و ارتشاء، اختلاس، تصرف غیرقانونی در وجوه دولتی، پولشویی، اختفای اموال ناشی از

جرم مزبور.

ح. جاسوسی و افشای اسرار.

خ. تحریک مردم به تجزیه‌طلبی، جنگ و کشتار و درگیری.

د. اختلال در داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی به کار گرفته شده برای ارائه خدمات

ضروری عمومی یا حاکمیتی.

ذ. کلیه جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی اعم از جرائم ارتكابی به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده یا غیر آن.

منظور از آوردن این استثنائات مواردی است که با انگیزه و هدف سیاسی مذکور در ماده ۱ انجام

گرفته باشد و گرنه قطعاً این جرایم عادی؛ و از عداد جرایم سیاسی خارج هستند.

مجرمان سیاسی معمولاً با انگیزه‌های پست و مادی، دست به ارتکاب جرم نمی‌زنند و غالباً افراد

تحصیل کرده و برخوردار از فرهنگ والا هستند؛ در مورد جرم سیاسی بهتر آن است که حاکمان در

عملکرد دقیق باشد و به وظایفش عمل کنند و دموکراسی را رعایت کنند تا زمینه وقوع جرم سیاسی

پیشگیری شود.

نگارندگان در این مقاله به بررسی و نقد قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵ به خصوص تعریف و مصادیق جرم سیاسی می‌پردازد و در نهایت با ارائه تعریفی جامع و مانع از جرم سیاسی به همراه شناسایی دقیق مصادیق آن از مشکلات این طرح خواهد کاست و همچنین با عنایت به اینکه طرح؛ به تازگی به تصویب مقنن رسیده و پژوهشی در این زمینه صورت نگرفته؛ این تحقیق می‌تواند ابهامات این قانون را تبیین و در زمینه ایرادات آن؛ پیشنهاداتی مناسب در جهت اصلاح ارائه دهد.

گفتار اول: ضابطه شناخت جرائم سیاسی از سایر جرائم

ارائه ضابطه برای تشخیص جرائم سیاسی از سایر جرائم نه برای قضات و مجریان حکم، که به‌عنوان راهنمایی برای قانون‌گذار طرح می‌شود. به عبارت دیگر این علمای حقوق و سیاست هستند که برآند، با تحلیل جرائم و نحوه عملکرد مخالفین سیاسی افرادی که مستحق دریافت امتیازات ویژه (که در قانون اساسی ما علنی بودن دادرسی و حضور هیأت منصفه است) را مشخص کنند، تا قانون‌گذار با بیان حکم قطعی قضات را مکلف به اجرای آن نماید. لذا معیارهای ارائه شده صرفاً جنبه تحلیلی داشته و تا جایی کاربرد دارد، که قانون در یک نظام حقوقی مشخص تکلیف جرائم سیاسی را تعیین نکرده باشد.

قدیمی‌ترین معیار، ضابطه شخصی یا ذهنی^۱ است. به آن مفهوم که هر جرم عمومی مصرح در قانون جزا، هرگاه با انگیزه‌ای خاص که همان انگیزه سیاسی است همراه شود، جرم سیاسی به‌وجود می‌آید. بر اساس این ضابطه هرگاه جرائم خشونت‌بار همچون سرقت به عنف، قتل و... نیز با هدف سیاسی همراه شود، فرد مستحق دریافت امتیازات ویژه قانونی مختص مجرمین سیاسی خواهد بود (النصراوی، ۱۹۷۷: ۱۳۱). این ضابطه زمانی در اروپا مطرح شده، که کشورها در کنار برخورداری از امنیت نسبی، درگیر مخالفت‌ها با نظام حاکم بودند. این‌گونه بیان می‌شد، که این مجرمین دارای نوعی «وسعت نظر» یا «انگیزه شرافتمندانه» هستند که آن‌ها را از مجرمین جرائم عمومی متمایز می‌کند (حومد، ۱۹۶۳: ۲۰۲). به این ضابطه چند اشکال وارد است: اولاً تعریف جرم سیاسی به فردی که دارای انگیزه سیاسی است، دور محسوب می‌گردد، زیرا در هر دو عبارت «سیاسی» مبهم است و نیاز به بیان واضح دارد، ثانیاً بین افرادی که در پی اصلاح امور کشور با رعایت محذورات امنیت ملی هستند و مخلین امنیت کل کشور تفاوت قائل نیست. ثالثاً این ضابطه دایره جرائم سیاسی را تا حد پوشش همه جرائم عمومی گسترش می‌دهد. برخی از حقوق‌دانان این ضابطه را به همین دلیل اخیر، واضح و بدیهی شمرده‌اند (حومد، ۱۹۶۳: ۲۰۳).

^۱ Subjective

به علت گستردگی شمول ضابطه ذهنی برخی ضابطه مادی یا عینی^۱ را پیشنهاد کرده‌اند. بر اساس این ضابطه نه عنصر روانی و انگیزه مرتکب که نتایج زیانبار جرم ملاک عمل قرار می‌گیرد. به این نحو که هرگاه موضوع جرم ساختارهای حکومت، نظم عمومی، کلیت نظام سیاسی یا ارکان آن باشد جرم سیاسی محسوب می‌شود (صالح ولیدی، ۱۳۷۳: ۱۵۴). دادگاه عالی گردنوبل در جلسه ۱۳ ژانویه ۱۹۴۷ این گونه مقرر کرد، که جرائمی که علیه نظام سیاسی یا بر ضد قانون اساسی کشور یا بر ضد حاکمیت آن ارتکاب یابد و نظمی که شاکله اصلی قوانین حکومتی یا تفکیک‌قوا را ایجاد کرده‌اند، مختل کند جرم سیاسی محسوب می‌گردد (پیوندی، ۱۳۸۲: ۹۸). به این نظریه نیز اشکالات عمده‌ای وارد است: اولاً در این ضابطه نیز همچون ضابطه ذهنی ملاحظات مرتبط با امنیت ملی لحاظ نشده و جاسوسی و خیانت به کشور را نیز شامل می‌گردد، که حمایت از این مجرمین معارض با عقل سیاسی است. ثانیاً هدف اصلی حمایت مجرمین سیاسی که به علت انگیزه اصلاح‌گرانه یا شرافتمندانه و به دلیل اشتباه در تحلیل به ارتکاب جرم کشیده شده‌اند، را محقق نمی‌کند، زیرا هرکس را که ولو با انگیزه منفعت شخصی (مانند انتقام‌جویی یا رسیدن به قدرت و ثروت) یا ضربه زدن به حکومت برای خوشامد بیگانگان مرتکب جرم شده باشد، را شامل می‌شود (پیوندی، ۱۳۸۲: ۹۹).

عده‌ای برای حل مشکل دو نظریه فوق با ترکیب آن دو سعی نموده‌اند از کاستی‌های آن‌ها بکاهند و نظریه‌ای مختلط‌آرا ارائه دهند. بر اساس این نظر هرکس با انگیزه سیاسی به ساختارهای حکومت، مصلحت سیاسی کشور یا آزادی‌های مردم لطمه وارد سازد، مرتکب جرم سیاسی شده است (علی‌آبادی، ج ۳، ۱۳۶۷: ۱۰۳). قوانین کیفری ایتالیا، سوریه و لبنان بر این مبنا عمل کرده‌اند. هرچند این نظریه اشکالات کمتری نسبت به دو نظریه قبل دارد، لکن حلال مشکل اصلی نیست، زیرا لطمه‌زنندگان به امنیت ملی یا مرتکبین جرائم خشونت‌بار را نیز مجرم سیاسی دانسته و از طرف دیگر تعریف ارائه شده دوری است، زیرا تعریف «جرم سیاسی» با رکن «انگیزه سیاسی» صحیح به نظر نمی‌رسد.

عده‌ای دیگر ضابطه حمایت افکار عمومی از مجرمین را ملاک تشخیص جرم سیاسی دانسته‌اند، به آن معنا که هرگاه جرائم ارتكابی مورد حمایت قشری از توده جامعه بوده و احساسات عمومی را نیز جریحه دار نکرده باشد، جرم سیاسی محسوب می‌شود (ملک اسماعیلی، ۱۳۵۵: ۷۶). این نظریه نیز اشکالات متعددی دارد. اولاً اگر جرمی سیاسی واقع گردید، لکن افکار عمومی از آن مطلع نبود، یا رسانه‌ها فضای افکار عمومی را منحرف نمودند، از مجرمین سیاسی حمایتی صورت نمی‌گیرد، ثانیاً قضات در عمل نیازمند ملاکاتی منجز و نوعی هستند، به نحوی که قاطع بتوانند حکم صادر نمایند. در صورتی که در این روش قاضی در بسیاری از موارد نمی‌تواند، به روشنی رویکرد افکار

^۱ . Objective

^۲ . Mixed

عمومی را تشخیص دهد. از همه مهم‌تر به نظر نمی‌رسد، حمایت از افرادی که اخلال در نظم عمومی یا امنیت کشور کرده‌اند، یا موجب مخدوش نمودن امنیت اجتماعی شده‌اند (هاشمی، ۱۳۷۴: ۶۱۹)، یا آن که اسناد مهم و سری کشور را در اختیار بیگانه قرار داده یا به ترور اعضای هیئت حاکمه اقدام کرده (گلدوزیان، ۱۳۷۸: ۴۰۵)، یا با اعمال وحشیانه به تخریب شهر پرداخته باشند، (علی‌آبادی، ج ۳، ۱۳۶۷: ۵۲) ولو آن که بتوانند بخشی از افکار عمومی را با خود همراه سازند، رفتاری مطابق عقل سیاسی باشد. خصوصاً آن که کشورها با اعمال صلاحیت واقعی نسبت به جرائم امنیتی نه تنها تابعین خود که این جرائم را مرتکب شده و از کشور خارج شده‌اند را قابل مجازات می‌داند، بلکه اتباع کشورهای دیگر که خارج از مرزها مرتکب این جرائم شده‌اند را نیز مجازات می‌کند (ماده ۵) قانون مجازات اسلامی ماده (۱۰-۱۱۳) قانون مجازات عمومی فرانسه (گودرزی بروجردی، ۱۳۸۶: ۲۰) و از آن‌جا که اصل عدم استرداد مجرمین سیاسی مغایرت مفهومی جدی با اصل صلاحیت واقعی رسیدگی به جرائم علیه امنیت کشور دارد، باید کلیه جرائم موضوع فصل اول قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده (جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور) خارج از دایره جرم سیاسی قلمداد شود.

بر اساس ضوابط و معیارهای فوق، کشورهای مختلف در قوانین عادی خود، اسناد بین‌المللی و محققین حقوقی تعاریف گوناگونی ارائه کرده‌اند.

از بررسی مجموع تعاریف مذکور می‌توان از موارد زیر به‌عنوان شاخصه‌های اصلی و ارکان تعاریف یاد کرد:

الف. ارتکاب جرم معلول هیجان ناشی از نوعی عقیده سیاسی بوده (مقدمه قانون استرداد مجرمین فرانسه) یا از انگیزه سیاسی فاعل آن حاصل شده باشد (مدنی، ۱۳۶۹: ۳۳۹).

ب. جرم ارتكابی به بنیان و اساس کشور یا امنیت عمومی لطمه وارد سازد. (ماده ۳) قانون استرداد مجرمین آلمان)

پ. جرم ارتكابی علیه رئیس کشور یا اعضای هیئت حاکمه انجام شده باشد. (ماده ۳) قانون استرداد مجرمین آلمان)

ت. جرم ارتكابی علیه مصالح سیاسی کشور اتفاق افتاده باشد (ماده ۸) قانون مجازات عمومی ایتالیا).

ث. جرم ارتكابی علیه حقوق سیاسی شهروندان (همان و طرح قانونی جرم سیاسی مصوب ۸۰/۸/۳) یا حقوق فردی یا عمومی افراد جامعه (ماده ۱۹۵) قانون مجازات سوریه) انجام شده باشد.

ج. هدف جرم واژگون کردن نظام سیاسی- اجتماعی باشد (صانعی، ۱۳۷۴: ۲۸۹).

چ. هدف از ارتكاب جرم، لطمه زدن به موقعیت قدرت سیاسی بوده باشد (Davip, ۱۹۹۹)

:(۲۵۰)

- خ. موضوع جرم مستقیماً بر ضدحاکمیت انجام شده باشد (Henri, ۱۹۹۰: ۱۱۵۸).
- ح. هدف از ارتکاب جرم کسب قدرت سیاسی باشد (Henri, ۱۹۹۰: ۱۱۵۸).
- ک. موضوع جرم تشکیلات عمومی کشور بوده و قصد مرتکبین اخلال در آن تشکیلات باشد (Bledsone, ۲۰۰۳: ۱۱۳).
- و. موضوع جرم شیوه اداره حکومت و حقوق ناشی از آن باشد (کنفرانس بین‌المللی کپنهاک (۱۹۳۵).
- ه. موضوع جرم سیاسی کارکرد حکومت بر اساس معیارهای دینی یا کارکرد مسئولین بر اساس همان معیار باشد (پیله، ۱۳۸۴: ۲۱۳).
- به نظر نگارندگان بین همه ضوابط یاد شده این دو ضابطه می‌تواند، شاخصه اصلی باشد و سایر ملاکات در ذیل این دو تعریف و تحلیل گردند.
- در واقع جرائم سیاسی دو دسته اصلی را تشکیل می‌دهند:
- الف. جرائم سیاسی درون‌سیستمی، ب. جرائم سیاسی برون‌سیستمی.
- نکته اول اینکه: اصطلاحات «جرائم سیاسی درون‌سیستمی» و «جرائم سیاسی برون‌سیستمی» وضع نگارنده است و تاکنون در ادبیات مکتوب حقوقی کشور این دو اصطلاح و تقسیم‌بندی ارائه شده اثری یافت نمی‌گردد. هرچند مضمون این تقسیم‌بندی در برخی نوشته‌جات (پیله، ۱۳۸۴: ۲۱۴) و پایان‌نامه‌های علمی دانشگاه‌ها و مناظره‌ها و سخنرانی‌های علمی یافت می‌گردد. هم‌چنین برخی به صراحت از عدم اغماض افکار عمومی و قوانین مملکتی و حتی سنت باستانی از برخی از مجرمین سیاسی دم زده‌اند (علی آبادی، ج ۱، ۱۳۶۷: ۹۸). که خود بیانگر آن است که از نظر این محققین جرائم سیاسی به دو دسته قابل حمایت و غیرقابل حمایت تقسیم می‌شوند.
- نکته دوم اینکه: جرم سیاسی واقعیتی خارجی ندارد و اساساً اعتباری است. اگر واقعیتی خارجی بود که این اصطلاح از آن خبر می‌داد، یا تعریف متفق‌علیهی وجود داشت، قانون اساسی در اصل یکصدوشصت‌وهشتم الزامی به تعریف آن بر اساس موازین اسلامی نمی‌کرد.
- اینکه دیده می‌شود، قوانین برخی از کشورها یا برخی تعاریف ارائه شده توسط محققین، قتل و سایر جنایات علیه تمامیت جسمانی این کشور یا اعضای هیئت حاکمه را جرم سیاسی دانسته و بسیاری نیز از دایره شمول مصادیق این اصطلاح بیرون دانسته‌اند، یا این که برخی جاسوسی یا خیانت به کشور را جرم سیاسی می‌دانند و برخی دیگر این جرائم را در دایره جرائم علیه امنیت کشور قلمداد می‌کنند، نشانگر آن است، که این اصطلاح بسیار منعطف بوده و خود به تنهایی بر اساس حقیقت لغوی نمی‌تواند مصادیق خود را تحدید نماید. لکن آن چه مهم است، دو ضابطه شکلی و ماهوی است که قانون‌گذار اساسی برای جرم سیاسی در نظر گرفته است:

اصل یکصد و شصت و هشتم قانون اساسی مقرر داشته است: «رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیئت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیئت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی معین می‌کند».

اصل فوق برای تعریف قانون اساسی دو ضابطه تعیین کرده است: ضابطه شکلی و ماهوی. ضابطه شکلی آن است که تعریف جرم سیاسی باید به موجب قانون باشد. لذا تشخیص قضات یا رئیس قوه قضائیه یا رئیس‌جمهور یا هر شخص دیگری ملاک تعیین جرائم سیاسی نیست (پیله، ۱۳۸۴: ۳۹).

ضابطه دوم معیار ماهوی است: «تعریف جرم سیاسی باید بر اساس موازین اسلام باشد». با بررسی انواع جرائم سیاسی در اسلام و با عنایت به تعریف حداکثری که از جرم سیاسی ارائه نمودیم، می‌توان گفت: هرچند در اسلام اصل یا قاعده‌ای مصرح در شناسایی جرائم سیاسی وجود ندارد، لکن با توجه به این که برای جرم سیاسی درون سیستمی اسلام (یعنی) مزایا و حمایت‌هایی در نظر گرفته شده است، حمایت‌هایی را با رعایت دیگر شرایط برای مجرمین سیاسی در نظر گرفت و این مزایا تبعیض ناروا محسوب نمی‌گردد. لکن هر جرمی که به انگیزه براندازی نظام یا ضربه به ارکان اساسی آن که در اصل یکصد و هفتاد و هفتم مندرج است از دایره حمایت‌ها و امتیازات خارج خواهد بود.

نکته بسیار مهم و قابل عنایت در این جا توجه به متن مشروح مذاکرات قانون اساسی است که نشان می‌دهد مقنن اساسی نیز هم همین مفهوم را در ذهن داشته است. هنگام تصویب متن این قانون برخی از خبرگان ملت با ایراد این مسأله که جرمی مانند جاسوسی یا فرار از میدان جنگ نباید مشمول حمایت گردد، در صدد حذف این اصل از پیش‌نویس بودند. لکن با رد این ایراد به این نحو که این جرائم، سیاسی محسوب نمی‌شوند، این اصل با ۵۷ رأی موافق در مقابل ۲ رأی ممتنع و ۲ رأی مخالف به تصویب می‌رسد (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴: ۱۶۸۱-۱۶۷۸). به عبارت دیگر قانون‌گذار اساسی در پی آن نبوده است که جاسوسی را که از جرائم امنیتی محسوب می‌گردد، در زمره جرائم سیاسی قلمداد کند. لذا می‌توان از معیار جرم جاسوسی برای دیگر جرائمی که به ارکان یا امنیت کشور ضربه می‌زنند استفاده نمود و محدوده جرائم سیاسی را به نحو صحیح تری تعیین نمود.

از دیگر معیارهای مرتبط با موازین شرعی آن است، که جرائم سیاسی در حضور هیئت منصفه انجام می‌گیرد و هیئت منصفه در قسمتی از رأی دادگاه دخیل است، تعریف پیشنهادی تنها در صورتی می‌تواند مورد قبول شورای نگهبان قرار گیرد که در دایره جرائم موجب حد، قصاص و دیه نباشد، زیرا اولاً شرایط به این جرم در شرع مقدس تعیین شده و حضور هیئت منصفه به عنوان یکی از ارکان دادرسی مغایر با مسلمات فقهی است. ثانیاً بر اساس مواد (۲) و (۱۰) قانون مجازات اسلامی

مصوب ۱۳۹۲ و رأی وحدت رویه شماره ۴۵-۱۰/۲۵/۱۳۶۵ اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها خاص جرائم موجب تعزیر است و جرائم موجب حد، قصاص و دیه را شامل نمی‌گردد و از آن‌جا که تعریف جرم سیاسی از شاخه‌های اصل قانونی بودن جرائم است، لذا این نوع جرائم منصرف به جرائمی خواهد بود که شیوه رسیدگی، میزان مجازات، نحوه اجرای مجازات، عفو و دیگر مقررات آن به ید حاکم باشد. زیرا اطلاق و عموم اصل چهارم قانون اساسی بر اصل یکصدوشصت و هشتم قانون اساسی نیز جاری است و جرائمی که همه مقررات رسیدگی آن در شرع تعیین شده است را نمی‌توان مقید به حضور هیئت منصفه کرد.

گفتار دوم: عدم تعریف جرم سیاسی در قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵

مهمترین ضعف این قانون، عدم ارائه تعریف دقیق جرم سیاسی است. البته این مشکل، فقط منحصر به قانونگذار ایران نمی‌باشد، بلکه در اکثر کشورها، تعریف واحدی از جرم سیاسی وجود ندارد. ولی اجمالا اکثر حقوقدانان و نظام‌های حقوقی مشهور «هرگونه اقدامی که با انگیزه شرافتمندانه علیه نظام سیاسی کشور انجام شود» یا «هرگونه اقدام علیه نحوه حکومت و چگونگی حکمرانی» را جرم سیاسی تلقی می‌کنند (پیوندی، ۱۳۸۲: ۹۱).

در این قانون، هیچ ملاک و ضابطه دقیق و مشخصی برای سیاسی شناختن جرم انتسابی، ارائه نشده است. شاید به همین دلیل در ماده ۵ این قانون، تشخیص سیاسی بودن اتهام را بر عهده دادسرا یا دادگاهی قرار داده است که پرونده در آن مطرح است.

عدم تعریف دقیق جرم سیاسی و عدم ارائه ضابطه‌ای همگانی و عمومی برای تمایز جرم سیاسی از سایر جرائم، سبب می‌شود که نظام حاکم بتواند منتقدین سیاسی خویش را در ذیل نام‌های دیگر و تعاریف و عناوین دیگری از شمول این قانون خارج کند و آنان را از دسترسی به مزایای مندرجه در قانون اساسی و در این قانون برای مجرمین سیاسی، محروم سازد و در نتیجه موجب تضییع حقوق آنان بشود. در صورتی که تعریف اجمالی فوق را بپذیریم، بسیاری از متهمینی که تحت عنوان «جرائم امنیتی» یا «جرائم ضد انقلابی» محاکمه می‌شوند، تحت شمول جرائم سیاسی قرار خواهند گرفت و در نتیجه از مزایای اصل ۱۶۸ قانون اساسی و از مزایای همین قانون جرم سیاسی بهره‌مند خواهند شد.

آنچه در ماده ۱ این قانون آمده تعیین مصداق است و نه تعریف جرم سیاسی. همچنین اصلا مهم نیست عنوان این مصوبه چه باشد؛ جرم سیاسی یا هر جرم دیگر بلکه غرض نگارندگان این است که با بیان چند نکته از این قانون به این موضوع بپردازیم که در فرآیند قانون‌نویسی، قانون‌پردازی، قانون‌پالایی و قانونگذاری، کشور ما با چه دشواری‌های ریز و درشتی دست به‌گریبان است. بالاخره باید

برای این نابسامانی و آشفتگی تقنینی چاره‌ای اندیشید. یک مساله این است که قانون را چگونه باید نوشت، الفاظ و کلمات را با آشنایی با زبان موضوع چگونه به کار برد تا همگان، بلکه آشنایان با آن زبان منظور قانونگذار را به درستی متوجه شوند. اهمیت این موضوع در وضع قوانین کیفری به مراتب بیشتر از قوانین دیگر است. ماده یک این قانون مثال خوبی است برای آنچه می‌خواهیم عرض کنیم، به موجب این ماده کسی که مرتکب یکی از جرائم مندرج در ماده ۲ این قانون شود، مثلاً جرم توهین یا افترا «علیه مدیریت و نهادهای سیاسی یا سیاست‌های داخلی یا خارجی کشور» چنانچه «با انگیزه اصلاح امور کشور» باشد و «قصد ضربه زدن به اصل نظام» را نداشته باشد، رفتارش جرم سیاسی محسوب می‌شود. ممکن است از خودتان سوال کنید منظور از «ضربه زدن به اصل نظام» یعنی چه؟ کجای نظام؟ مصداق آن چیست؟ ابهام آن چنان است که هر کس چیزی از این عبارت که در اصل بار معنای حقوقی ندارد، متوجه می‌شود و این ابهامات در آینده دردسر خواهد شد.

با توجه به توضیحات ارائه شده در این قسمت تعریف پیشنهادی نگارندگان برای جرائم سیاسی باید:

به موجب قانون، خارج از محدوده جرائم موجب حد، قصاص و دیه، و خارج از جرائمی باشد، که با انگیزه ضربه به اساس نظام و ارکان و پایه‌های آن واقع می‌شود؛ در نتیجه جرم سیاسی در جمهوری اسلامی، جرمی است با مجازات تعزیری که در آن‌ها شخصی بدون آن که قصد ضربه زدن به اصول و چارچوب‌های اصلی نظام جمهوری اسلامی (دین و مذهب رسمی کشور و ابتدای نظام سیاسی بر ولایت مطلقه فقیه، اسلامیت و جمهوریت) داشته باشد، با انگیزه نقد عملکرد حاکمان یا کسب یا حفظ قدرت سیاسی مرتکب یکی از جرائمی که به موجب قانون تعریف و مصداق آن تعیین می‌گردد، شود.

گفتار سوم: نارسایی مصداق جرم سیاسی در قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵

قانون فوق، نه تنها تعریف جامعی از جرم سیاسی ارائه نداده است بلکه ماده ۲ قانون، با شمارش برخی از مصداق جرم سیاسی در پنج بند، بر ابهامات قانونی افزوده است. زیرا این مصداق نه جامع هستند نه مانع. به علاوه، قانونگذار با ارائه این مصداق، تعریف خویش از جرم سیاسی را با جرم سیاسی مصطلح در دنیا و رایج نزد حقوقدانان، بیگانه ساخته است. تعریف جدیدی را ارائه داده است که هرگز مورد نظر حقوقدانان و کنشگران سیاسی نبوده است؛ این نوع معرفی مصداق جرم سیاسی، ساده پنداری صورت مساله است.

مصداق برشمرده در بند «الف» و «ب» ماده ۲ این قانون، عبارتند از: «توهین یا افترا به روسای سه قوا، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، و...» «مصداق بند «پ»، «جرائم مربوط به فعالیت

احزاب و جمعیت هاست» که در قانون مربوطه مشخص شده است. مصادیق بند «ت» جرایم مقرر در قوانین انتخاباتی است. مصادیق بند «ث» نیز مربوط به «نشر اکاذیب» است.

این تعریف از جرم سیاسی، با ارائه این مصادیق، نوعی ساده نگری و ساده پنداری و ساده نشان دادن «کنش سیاسی» است. مگر کنش و فعالیت یک کنشگر سیاسی، حتی یک کنشگر سیاسی برانداز، توهین و افترا به روسای مملکت ایران یا روسای و نمایندگان سیاسی دول خارجی که در ایران هستند، می‌باشد؟ مگر تلاش کنشگران سیاسی و حقوقدانان برای تمایز متهمین جرایم سیاسی از سایر جرایم، تلاش برای تمایز توهین کنندگان و افترا زنان به روسای مملکت، و ناشرین اکاذیب بوده است؟

کنشگر سیاسی که از چارچوب رقابت‌های موجود خارج می‌شود و کنش او موجب محاکمه وی می‌شود، در شدیدترین شکل برخورد وی با نظام سیاسی، ممکن است وی کنشگری برانداز باشد که با نظام سیاسی موجود در افتاده است. کنش وی به هیچ وجه در مصادیق فوق خلاصه نمی‌شود. بنابر این، تعریف فوق، به هیچ وجه تعریفی جامع نیست. به علاوه، توهین و افترا، جرایمی هستند که در سایر قوانین از قبیل قانون مجازات اسلامی، تعریف شده اند و مجازات آن‌ها نیز مشخص گردیده است. نشر اکاذیب نیز همین وضعیت را دارد. در قوانین دیگر، این رفتارهای مجرمانه تعریف شده‌اند و مجازات آن‌ها نیز مقرر شده است. اگر این مصادیق را نمونه‌های انحصاری جرم سیاسی، یا بارزترین نمونه‌های جرم سیاسی بیندازیم، در این صورت چه نیازی به تصویب این قانون بوده است زیرا مجازات این رفتارهای مجرمانه در سایر قوانین مربوطه مشخص شده است و در این قانون، نکته جدیدی در این زمینه ارائه نشده است.

گفتار چهارم: نقد هیات منصفه برای رسیدگی به جرم سیاسی

عجیب است که شورای نگهبان در این عبارت هیچ ابهامی ندیده است. علاوه بر آن، به نظر می‌رسد که معاونت قوانین مجلس هم در این مصوبه نتوانسته است به خوبی به وظایف خود بر اساس قانون ۱۳۸۹ عمل کند. این ابهامات راه را باز می‌گذارد تا مرجع قضایی (و نه هیات منصفه) در تشخیص جرم سیاسی به همین رویه کنونی در تشخیص جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی متوسل شود.

گذشته از بحث جایگاه هیات منصفه و نقشی که عموماً به این هیات‌ها واگذار می‌شود، مساله مهم انتخاب اعضای هیات منصفه است. در تبصره ماده ۴ این قانون مقرر شده است که مقررات مربوط به هیات منصفه مطابق قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۹۲ است. وقتی به قانون آیین دادرسی کیفری مراجعه می‌کنید متوجه می‌شوید که تبصره ماده ۳۰۵ این قانون احکام و

ترتیبات هیات منصفه را به قانون مطبوعات احاله داده است. با مراجعه به قانون مطبوعات و به ویژه ماده ۳۶ این قانون (الحاقی ۱۳۷۹) در می‌یابیم که انتخاب اعضای هیات منصفه مطبوعات به عهده جمعی از مقامات اجرایی کشور گذاشته شده که هر دو سال یک بار به دعوت و با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی (و در مراکز استان به دعوت و با حضور مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی) گرد هم می‌آیند و تعدادی را به عنوان اعضای هیات منصفه انتخاب می‌کنند. وقتی به سوابق بحث هیات منصفه در نظریات شورای نگهبان برمی‌گردید، تناقضاتی را در این زمینه ملاحظه می‌کنید که قابل تامل است.

شورای نگهبان در نظریات پیشین خود انتخاب اعضای هیات منصفه را از امور اجرایی قوه قضاییه و اختیارات رئیس این قوه می‌دانست و حضور وزیر ارشاد یا مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان و سایر مقامات اجرایی را در هیات‌گزینش مغایر با اصول قانون اساسی به ویژه اصل ۱۵۷ تشخیص داده بود. حال چطور شد که در انتخاب اعضای هیات منصفه جرائم سیاسی بار دیگر وزیر ارشاد (یا مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان) مسئولیت دعوت و وظیفه حضور در این جمع را پیدا کردند و شورای نگهبان هم هیچ یک از این مقررات را در قانون اخیر مغایر شرع و قانون اساسی نشناخته است؟ حتما باید در سامانه قانونگذاری اشکالی وجود داشته باشد. حال بماند که این هیات منصفه که باید بتواند سیاسی بودن یا نبودن رفتار مرتکب را از جرائم عادی تشخیص دهد، حضورش در دادرسی به چه معنی است؟ تجربه هیات منصفه مطبوعات در وضع فعلی باید راهنمای مقنن در مصوبه اخیر قرار می‌گرفت که هیچ اعتنایی به آن نشد.

نتیجه گیری:

طرح قانونی «جرم سیاسی» در اردیبهشت ۱۳۹۵ به تصویب نهایی رسید که مهم‌ترین دستاورد این قانون، تعریف «جرم سیاسی» با چالشی جدی مواجه است و فروکاستن جرائم سیاسی به توهین و افترا و نشر اکاذیب تأمین‌کننده نظر قانون‌گذار مؤسس نیست به‌خصوص که توهین به مقدسات و مقامات عالی‌رتبه و مراجع عظام تقلید را نیز از شمول جرم سیاسی خارج کرده و همچنان مشمول عنوان جرائم امنیتی است.

جرائم مذکور بدون تعریف و تصویب این قانون که باید نتیجه چهار دهه تحقیق و بررسی بوده باشد، اگر توسط مطبوعات یا رسانه‌ها انجام می‌شد در وضعیت فعلی هم جرم مطبوعاتی تلقی می‌شد و با حضور هیأت‌منصفه و در دادگاه علنی مورد رسیدگی قرار می‌گرفت بنابراین به نظر می‌رسد مراد قانون‌گذار از احصای توهین، افترا و نشر اکاذیب به‌عنوان جرم سیاسی مربوط به مواردی مانند توزیع شب‌نامه یا سخنرانی در تریبون‌های عمومی باشد که از شمول قانون مطبوعات خارج هستند. قوانین و مقرراتی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به تصویب مراجع قانونی رسیده، حوزه وسیع‌تری را برای جرائم سیاسی در نظر گرفته است؛ ماده واحده لایحه قانونی رفع آثار محکومیت‌های سیاسی مصوب ۱۳۵۸/۱/۱۸ شورای انقلاب اسلامی اقدام علیه امنیت را جرم سیاسی تلقی کرده است و ماده ۱۵ قانون بازسازی نیروی انسانی وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۶۰/۷/۵، فعالیت به‌نفع گروه‌هایی که فعالیت آنها ممنوع شده، ارتکاب اعمال مغایر با مصالح جمهوری اسلامی از قبیل شایعه‌پراکنی، اعمال فشارهای گروهی یا فردی برای تحمیل مقاصد نامشروع یا به‌دست‌آوردن امتیازات قانونی و تبلیغ علیه نظام را جرم سیاسی تلقی کرده است.

فلسفه لزوم تعریف جرم سیاسی در قانون اساسی رواداری و مسامحه نسبت به مجرمان سیاسی است و با عنایت به اینکه در جمهوری اسلامی به استناد اصل پنجاه‌وششم قانون اساسی خداوند انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته و به استناد اصل ششم قانون اساسی امور کشور باید با اتکا به آرای عمومی اداره شود و تصدی مقام‌های سیاسی از طریق انتخابات عمومی و بدون ضرورت توسل به زور و قهر صورت می‌گیرد بنابراین دولتمردان نباید در پی حفظ و دوام اقتدار شخصی باشند و رقبای سیاسی را تحمل نکرده و با اندیشه سختگیرانه از طریق محکومیت‌های شدید به برخورد با مخالفان پردازند بنابراین لازم است در تعریف جرم سیاسی سعه صدر بیشتری ملحوظ شود و حداقل تعریف کنفرانس بین‌المللی ۱۹۳۵ را که جرائم علیه نحوه اداره حکومت را سیاسی تلقی می‌کند بپذیرند و با اصلاح قانون مذکور در مجلس تعریف جامع‌تری از جرم سیاسی ارائه شود.

پیشنهادات:

انتخاب اعضای هیأت منصفه از امور اجرایی قوه قضاییه و اختیارات رئیس این قوه باید دانست و حضور وزیر ارشاد یا مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان و سایر مقامات اجرایی را در هیات گزینش مغایر با اصول قانون اساسی به ویژه اصل ۱۵۷ می باشد؛ از این رو پیشنهاد می شود حضور وزیر ارشاد یا مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان و سایر مقامات اجرایی را در هیات منصفه از ماده ۳۶ قانون مطبوعات الحاقی ۱۳۷۹ حذف شود.

همچنین نگارندگان در تعریف جرم سیاسی تعریف زیر را به قانون گذار جهت تصویب پیشنهاد می کنند:

ماده ۱. جرم سیاسی عبارت است از جرمی که مرتکب بدون آن که قصد ضربه زدن به اصول و چارچوب های اصلی جمهوری اسلامی (دین و مذهب رسمی کشور و ابتدای نظام سیاسی بر ولایت مطلقه فقیه، اسلامیت و جمهوریت) را داشته باشد، به نقد عملکرد حاکمان یا کسب یا حفظ قدرت سیاسی بپردازد.

تبصره - جرائم موجب حد، قصاص و دیه و همچنین جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی سیاسی، جرائم خشونت بار، جرائم در حکم فوق، شروع به آنها و معاونت در آنها سیاسی محسوب نمی گردند.

فهرست منابع:

- پیله، رسول (۱۳۸۴): **مطالعه تطبیقی جرائم سیاسی و آیین دادرسی آن در فقه امامیه و حقوق ایران و مصر**، تهران: دانشگاه امام صادق(ع)، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- پیوندی، غلامرضا (۱۳۸۲): **جرم سیاسی**، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حومد، عبدالوهاب(۱۹۶۳): **الاجرام السیاسی**، لبنان: دارالمعارف.
- فراهانی، حسن(۱۳۸۹): **جرم سیاسی بررسی تفصیلی طرح و لایحه جرم سیاسی**، فصلنامه معرفت، شماره ۴۶.
- صناعی، پرویز(۱۳۷۲): **حقوق جزای عمومی**، کتابخانه گنج دانش، چ پنجم، جلد اول.
- **صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**(۱۳۶۴)؛، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.
- عالی پور، حسن و نوروز کارگری (۱۳۸۹): **جرایم ضد امنیت ملی**، تهران: انتشارات خرسندی.
- علی آبادی، عبدالحسین(۱۳۶۷): **حقوق جنایی**، جلد ۳، تهران: انتشارات فردوسی.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۷۸): **حقوق جزای اختصاصی**، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- گودرزی بروجردی، محمدرضا (۱۳۸۶): **قانون مجازات فرانسه**، تهران: انتشارات سلسبیل.
- محبی، جلیل(۱۳۸۹): **بایسته های تعریف جرم سیاسی در قاموس حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**، پژوهشنامه حقوق اسلامی، دوره ۱۱، شماره ۳۱.
- مدنی، سیدجلال الدین(۱۳۶۹): **حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران**، تهران: انتشارات سروش.
- النصراوی، سامی (۱۹۷۷): **المبادئ العامة فی قانون العقوبات**، بغداد: طبعه دارالاسلام.
- ولیدی، محمدصالح(۱۳۷۱): **حقوق جزای اختصاصی**، انتشارات غروب، جلد سوم.
- هاشمی، محمد(۱۳۸۴): **حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- *Black's Law Dictionary*: (۱۹۹۰)، Henry Compbell Black, M. A, Sixth Edition, U. S. A Publishing co.
- *Bledsone, Rober L. and Boleslaw, A. Bozek: the International Law Dictionary, ABC- Clio, Inc, USA, (Number ۱۴۲).*
- *Sills Davip L, (Editor): International Encyclopedia of the Social Sciences. The Macmillan Compony and the free Press, New York, Wollume ۱۲*